

امتحانات متمرکز عمومی نیمسال دوم ۹۸-۱۳۹۷

پایه نهم ۵ ساله و پایه دهم ۷ ساله

مهر مدرسه

کد امتحان :	۲۹۷۲/۰۵
تاریخ آزمون :	۱۳۹۸/۰۴/۰۱
عنوان:	فقه استدلالی ۴
کتاب:	دروس تمهیدیه
محدوده:	نکاح، طلاق، یمین، نذر، عهد

ماتر برای: ۱۰ صبح	نرد: ۱۵	ساعت پایانی: ۷۰ دقیقه
-------------------	---------	-----------------------

شماره یا نام مصحح اول	نمره بر عدد	نمره بر حروف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره بر عدد	نمره بر حروف

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد طلایی: مدرس علیه: شهرستان: استان:

۱- برای تجویز نظر زن به بدن مردی که قصد ازدواج با او را دارد چنین استدلال شده که «لأنها تبذل اغلی المثلن و لا تتمکن من التخلص بالطلاق». نظر مصنف درباره این استدلال چیست؟ ص ۶۵

/۵

- الف. مقبول است؛ چون دلیل مذکور، مقتضی جواز معرفت تام است.
- ب. مردود است؛ چون دلیل مذکور، فقط مقتضی جواز معرفت به مهر است.
- ج. مردود است؛ چون دلیل مذکور، فقط مقتضی جواز نظر مرد به زن است.
- د. مردود است؛ چون این دلیل، فقط مقتضی جواز شناخت مرد است نه نظر.

۲- کم تکون عده الحامل المتوفی عنها زوجها؟ ص ۱۲۶

/۵

- الف. وضع الحمل
- ب. اربعه الشهر و عشره ایام
- ج. اقرب الاجلین
- د. ابعده الاجلین

۳- مقتضای جمع بین موثقه «لايجوز طلاق الغلام حتی یحتلم» و موثقه «يجوز طلاق الصبی اذا بلغ عشر سنین» چیست؟ ص ۱۱۵

/۵

- الف. حمل الاولی علی من عمره اقل من عشر سنین
- ب. حمل الاولی علی من عمره اکثر من عشر سنین
- ج. حمل الاولی علی من كان عمره عشر سنین
- د. حمل الثانية علی من بلغ فی عشر سنین

۴- وجه افتراق «عهد» از «نذر» چیست؟ ص ۱۶۲، ۱۶۰

/۵

- الف. عدم وجوب وفاء به آن
- ب. عدم وجود صیغه خاص
- ج. اختلاف در كفاره آن
- د. تعلق به امر مباح

۵- برای اثبات اعتبار عربیت در عقد نکاح به اصل عملی تمسک شده است، ضمن تبیین مراد از اصل عملی، پاسخ آن را با توجه به آیه شریفه: «و أنکحوا الأيامی منکم ...» (النور: ۳۲) ذکر نمایید. ص ۵۲

۲

جواب: اگر عقد عربی نباشد شک می کنیم آیا تأثیر کرده و زوجیت حاصل شده یا نه که در این صورت استصحاب عدم ترتب اثر (عدم زوجیت) جاری می شود. پس باید عربی باشد.
اما آیه فوق امر به ایجاد نکاح کرده و اطلاق دارد و قید عربیت ذکر نشده است. پس لازم نیست عربی باشد.

۶- با توجه به عبارت: «حرمة الاصناف السبعة بالنسب لاتختص بالنسب الشرعی بل تعم ما یحصل بالزنا ایضاً» پاسخ دهید:

۲

الف) ۴ صنف از اصناف سبعة را نام ببرید؟ ص ۶۵
جواب: اصناف سبعة: مادر به بالا، خواهر، دختر به پایین، عمه به بالا، خاله به بالا، دخترخواهر به پایین و دختر برادر به پایین. (۲ مورد روی هم ۰/۲۵ و یک مورد تنها اگر ذکر نشود ۰/۲۵ کسر شود.)

ب) چرا حکم حرمت مختص نسب شرعی نیست و شامل زنا هم می شود؟

زیرا صدق هر یک از عناوین مذکوره متوقف بر نکاح شرعی نیست و مثلاً به مادر تکوینی غیرشرعی یا دختر غیرشرعی هم عنوان دختر یا مادر اطلاق می شود و دلیل شرعی (آیه) اطلاق دارد و مقید به عناوین حاصل از نکاح شرعی نیست.

۷- تعارض دو روایت «سئل عن الرجل يفجر بالمرأة أيتزوج بائنتها؟ قال (ع): لا» و روایت «سألت أبا عبد الله عليه السلام عن رجل فاجر بامرأة يتزوج ابنتها؟ قال: نعم» را تبیین و جمع بین آنها را توضیح دهید. ص ۷۰

جواب: در روایت اول از امام می پرسند آیا مردی که با زنی زنا کرده می تواند با دختر آن زن ازدواج کند؟ امام فرمودند: نه. و در روایت دوم همین سؤال پرسیده شد و امام فرمودند: بله. پس در روایت از جهت حکم صحت و فساد نکاح تعارض دارند. اما چون روایت دوم نص در جواز و روایت اول ظاهر در منع است، نص را مقدم کرده، حکم به جواز می کنیم و نهی را بر کراهت حمل می نماییم.

۸- روایت: «سألت أبا عبد الله عليه السلام عن لبن الفحل. قال: هو ما أرضعت امرأتك من لبنك و لبن ولدك ولد امرأة أخرى فهو حرام.» را توضیح داده و دو شرطی را که فقها از روایت فوق برای حرمت به رضاع استفاده کرده اند ذکر نمایید. ص ۸۰

جواب: الف) از امام صادق علیه السلام سؤال شد: لبن فحل که موجب حرمت می شود چیست؟ امام فرمود: این است که همسر تو از شیر تو (که حاصل نکاح و وطی تو است) و از شیر فرزند تو (که بر اثر حمل ناشی از وطی تو ایجاد شده) فرزند زن دیگری را شیر دهد و این شیر موجب حرمت می شود. ب) یک شرط این است لبن ناشی از ولادت شرعی باشد. شرط دیگر: فحل باید واحد باشد.

۹- چرا نمی توان بین روایاتی که عده نکاح منقطع را دو حیض می داند با روایات دیگری که عده نکاح منقطع را یک حیض می داند، جمع عرفی برقرار نمود؟ با فرض استقرار تعارض و عدم مرجح، چه حکمی مترتب می شود؟ ص ۹۷

جواب: الف) زیرا اوامر ارشادی هستند و اوامر ارشادی یا اصلاً قابل حمل بر استحباب نیستند (و لذا نمی توان حکم به یک حیض وجوباً و حیض دوم استحباباً نمود) و یا در صورتی قابل حمل بر استحبابند که به لسان امر باشند نه اخبار. ب) در این صورت دو روایت تساقط می کنند و اگر نکاحی بعد از یک حیض صورت گیرد استحباب عدم اثر بار می شود. پس باید ۲ حیض صبر کنند.

۱۰- حکم و دلیل مذکور در عبارت «إن طلاق الممتنع من الإنفاق و الطلاق، بئن و إلا يلزم نقض الغرض و عدم الفائدة في طلاق الحاکم.» را تبیین نمایید. ص ۱۳۰

با توجه به خارج محدوده بودن بخش دوم سؤال، در صورت پاسخ به قسمت اول سؤال، نمره کامل لحاظ گردد. جواب: حکم: طلاق مردی که نفقه ی همسرش را نمی دهد و او را طلاق نیز نمی دهد (در صورتی که حاکم طلاق را جاری کند)، بائن است و مرد حق رجوع ندارد. (نمره) دلیل: زیرا علت و غرض از جریان طلاق از سوی حاکم این است که زن آزاد شود و اگر مرد حق رجوع داشته باشد، آزادی برای زن حاصل نمی شود و طلاقی که حاکم داده است سبب آزادی او نمی شود زیرا با رجوع مرد، زن دوباره مورد آزار قرار می گیرد. (نمره) (رساندن مفهوم لازم است).

۱۱- «مستترابه» به چه زنی گفته می شود؟ طلاق او در چه صورت جایز است؟ عده طلاق او چقدر است؟ و اگر همسر او وفات کند چه مقدار عده نگه می دارد؟ ص ۱۱۴، ۱۲۰، ۱۳۹

جواب: مستترابه زنی است که در سن حیض است ولی حیض نمی بیند. در صورتی می توان او را طلاق داد که از واقعه ۳ ماه گذشته باشد. عده طلاق او نیز ۳ ماه است و عده وفات او ۴ ماه و ۱۰ روز می باشد. (هر قسمت ۵/۰ نمره)

«سامانه پیام کوتاه ۵۰۰۰۱۷۱۷۲۱۴۴۲۱ معاونت آموزش آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات پیرامون سؤالات امتحانی می باشد.»

«در صورت ارسال پیام کوتاه، ذکر کد امتحان و شماره سؤال به صورت دقیق جهت امکان بررسی و جوابگویی ضروری می باشد.»